

آشنایی با زبان ها و خطوط ایران پیش از اسلام

مؤلف:

مرتضی تهامی

عضو هیات علمی دانشگاه خوارزمی

سرشناسه	: تهامي، مرتضى، ۱۳۳۹ -
عنوان و تلم پندآور	: آشنایی با زبان ها و خطوط ایران پیش از اسلام/ مولف مرتضى تهامی.
مشخصات نشر	: تهران: جهاد دانشگاهی، واحد خوارزمی، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۱۲۸ ص.: مصور، نمودار.
شابک	: ۶۵۰۰۰ ریال 4-5-90599-978-964
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: زبان های ایرانی -- تاریخ
موضوع	: زبان های باستانی -- ایران
موضوع	: خط -- ایران -- تاریخ -- پیش از اسلام
موضوع	: ایران -- تاریخ -- پیش از اسلام
شناسه افزوده	: جهاد دانشگاهی. واحد خوارزمی
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۲ ۹۱۵/ت/PIR۴۲
رده بندی دیویی	: ۴۵۰/۰۰۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۲۶۷۴۹۱

انتشارات جهاد دانشگاهی واحد خوارزمی

شابک : ۵ - ۴ - ۹۰۵۹۹ - ۹۷۸-۹۶۴

ISBN : 978- 964 - 90599 - 4 - 5



واحد خوارزمی

نام کتاب : آشنایی با زبان ها و خطوط ایران پیش از اسلام

تألیف : دکتر مرتضى تهامی

نوبت چاپ اول : پاییز ۱۳۹۲

لیتوگرافی : پویش

چاپ : تربیت معلم

شمارگان : ۱۰۰۰

قیمت : ۶۵۰۰۰ (ریال)

آدرس ناشر : تهران - خیابان انقلاب اسلامی - خیابان شهید مفتح - پلاک ۴۹ - دانشگاه خوارزمی -
جهاد دانشگاهی واحد خوارزمی تلفن و دورنگار : ۸۸۳۰ ۲۵۲۴ - ۸۸۳۰ ۹۲۹۲ مرکز پخش :
۷۷۵۰۳۸۲۴

این اثر مشمول قانون حمایت مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است. هر کس تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه مؤلف (ناشر) نشر یا پخش یا عرضه کند مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

ایران گاهواره‌ی تمدن و فرهنگ است؛ تمدن و فرهنگی که یگانگی و وحدت خود را در طول تاریخ حفظ کرده است. در زمینه‌ی اعتقادی در دوره‌ی پیش از اسلام، ایرانیان به خدای واحد که اهورا مزدا نامیده می‌شد باور داشتند و او را آفریننده و خالق هستی می‌دانستند؛ خدایی که خورشید و ستارگان را به حرکت در می‌آورد و روشنایی، صبح و ظهر و شب را می‌آفریند، به باد و ابر شتاب و تندی می‌دهد، گیاه و جانور و انسان را خلق می‌کند.

در متن اوستایی زیر نقش اهورامزدا به روشنی بیان شده است:

3-

tātθwāpθrθsāθrθšmōivaočāahurākasnāzaθāpatāašahy
āpaouruyōkasnāxvθngstarānčā data advānθm kθ
yāmauxšyeitīnθrθfsaitīθwat tacit
mazdāvasθmīanyāčāviduye.

۳- این را از تو پرسم ای اهورا مزدا، درست مرا به گوی، نخستین آفرینش پدر راستی کیست که راه خورشید و ستارگان را داد (آفرید)؟ کیست که بدو ماه بزرگ شود [و] باز کوچک شود این ها را به حقیقت ای مزدا و دیگر چیزها را دانستن خواستارم.

4-tāt θwāpθrθsā

θrθšmōivaočāahurākasnādθrθtāzāmčāadθ
nabaščāavapastōiš kθ apōurvarasčā kθ
vātāidvanmaibyasčāyaogθtasūkāsnavanhθušmazdāda
mišmananhō.

۴- این را از تو پرسم ای اهورا مزدا درست مرا به گوی کیست که نگه دارد زمین را در زیر و آسمان هارا در بالا از فرو افتادن؟ چه کسی آبها را و گیاهان را (آفرید؟) چه کسی به باد و ابر شتاب بست؟ کیست ای مزدا، آفریننده وهومنه (اندیشه نیک).

5- tāθwāpθrθsā θrθšmōivaočāahurā kθ
hvāpāraočasčādāttθmasčā kθ
hvāpaxvafnθmčādātzaēmāčā kθ yāušarθm –
piθwāxšapāčāyāmanaoθrīščazdōnhvantθmarθθahyā.

۵- این را از تو پرسم درست مرا به گوی ای اهوره چه کسی روشنی ها و تاریکی را آفرید؟ چه کسی خواب و بیداری را آفرید؟ به وسیله چه کسی بامداد (و) ظهر (نیم روز) و شب آفریده شدند، که دین داران پیمان خود را به یاد آورند (یسن ۴۴، اشتودگاه، رک، باقری، ۱۳۱۶، ص ۴۲).

این در حالی است که تمدن های آن زمان مانند مصر با خدایان مختلف و متعدد سرگرم بودند و مجسمه های خدایان را در معابد می پرستیدند و ترو خشک می کردند. و برخی فرمانروایان آنان ادعای خدایی می کردند.

در بعد حکومتداری و رفتار با ایالت های تابعه، ایرانیان باستان روی هم رفته تساهل و تسامح را به کار می بردند و به اعتقادات مردم تابعه احترام می گذاشتند، نمونه ای این رفتار را در فرمانی که کوروش کبیر در بابل صادر می کند می توان دید... سپاهیان بی شمار من با صلح به بابل در آمدند من نگذاشتم در سراسر سرزمین سومر و اکد تهدید کننده ای دیگری پیدا شود... من ویرانه هایشان را ترمیم کردم و دشواری های آنان را آسان کردم، مردوک خدای بزرگ از کردار پارسایانه من خوشنود گشت (فره وشی، ۱۳۸۴، ص ۸۵-۸۴).

در صورتی که در تمدن‌هایی مانند تمدن آشور با پیشینه‌ی کهن خود این رفتار دیده نمی‌شود، آنان برطبل جنگ می‌کوبیدند و رعب و حشت در میان جامعه ایجاد می‌کردند و به راحتی انسان‌ها را از هستی ساقط می‌کردند. آشور نصیر پال می‌گوید: من ستونی در برابر دروازه شهر بنا کردم و پوست همه امیرانی را که بر علیه ما به پا خواسته بودند کردم و سطح ستون را با آن پوست‌ها پوشاندم .. من ستونی از زنده‌ها و ستون دیگری از سرهای بریده بر پا داشتم و سرهای آنان را در سراسر شهر بر کنه درختان بستم و مردها و زن‌های جوان را در آتش سوزاندم (یوسف زاده، ۱۳۷۶، ص ۲۳۳).

در مواجهه با فرهنگ بیگانگان ایرانیان اصالت فرهنگی خود را حفظ کردند. در جایی که از فرهنگ اقوام دیگر استفاده کردند آن را با فرهنگ خود سنجیدند، هضم کردند و با معیارهای خودی به کار گرفتند. این موضوع در هنر دوره‌ی ایران باستان مشهود است. همچنین پس از تسلط یونانیان بر ایران، توده‌ی مردم در برابر سیاست هلنیزه کردن آنان، ایستادگی کردند و هویت خود را از دست ندادند و ویژگی‌ها و مشخصات فرهنگی خود را که در دین تجسم می‌یافت رها نکردند. بعد از یونانیان، ایرانیان، در برابر رومی‌ها نیز ایستادگی کردند و حریم و مرزهای کشور را با قدرت حفظ کردند.

در دوره‌ی اسلامی با ورود اسلام به ایران، ایرانیان بتدریج به آنچه رسول خدا(ص) دعوت کرد ایمان آوردند و پس از ایشان راه اسلام را با تبعیت از حضرت علی(ع) و ائمه اطهار دنبال کردند و مصمم این راه را ادامه دادند و خدمات ارزنده‌ای را در راه اسلام از خود نشان دادند. با همه‌ی این وجود، فرهنگ ملی خود را رها نکردند، اگرچه در قرون اولیه‌ی تسلط اعراب، پویایی فرهنگی ایرانیان کم شد ولی بتدریج با تکیه بر توانایی‌های ملی از جمله زبان فارسی، غنای فرهنگی خود را

نشان دادند؛ چنانکه در دربار محمود غزنوی دهها شاعر به پارسی شعر می‌گفتند و دفتر و دیوان دولتی به فارسی نوشته می‌شد. در گذر تاریخ، اقوام ترک، ترکمن و مغول بر ایران مسلط شدند، ایرانیان اگرچه قدرت سیاسی را از دست دادند ولی با قابلیت‌ها و ویژگی‌های زبان فارسی در کنار دیوان سالاران ایرانی جایگاه فرهنگی خود را در برابر این حکومت‌های غیر ایرانی مستحکم کردند، بنابراین ایرانیان پس از پذیرش اسلام، با تکیه بر حقیقت دین اسلام که رسول خدا آورده بود نه اسلامی که از سقیفه برخاست و با تکیه بر زبان فارسی و دیوان سالاران، سیر تمدن خود را ادامه دادند و هویت ملی و تاریخی کشور را حفظ کردند. اینچنین است که زبان فارسی در گذر تاریخ، یکی از عوامل بقاء، پیوستگی و هویت ایرانی است.

زبان فارسی، زبانی ادبی، فصیح با مضامین اخلاقی و معنوی، شیرین و دلچسب است، زبانی که نمایندگان آن همچون فردوسی، سعدی، حافظ و مولوی جایگاه جهانی دارند. زبان فارسی چون نور تابانی در طول تاریخ درخشیده است و همچنان تابنده و موثر به راه خود ادامه می‌دهد. هنرسلای وظیفه دارد زبان فارسی را حفظ کند. برای حفظ آن لازم است پیشینه و سیر تحولات آن مطالعه شود تا با احاطه مناسب به ادبیات، دستور و مضامین آن، این مقوله هویت ملی پاسداری گردد و ارتقاء یابد.

مطالعه نوشته‌ی حاضر که اطلاعاتی در باره پیشینه‌ی زبان‌ها و خطوط ایران باستان ارائه می‌دهد؛ می‌تواند برای آشنایی با پیشینه‌ی زبان فارسی ثمربخش باشد، و برای دانشجویان رشته‌ی تاریخ که در مجموعه‌ی واحدهای خود، درسی با همین نام دارند یک متن درسی محسوب می‌شود و می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

مطالب این کتاب، در چهار فصل ارائه گردیده است. فصل اول به زبان و مسائل مربوط به آن می‌پردازد. در فصل دوم، تعریف، اهمیت و سیر تحول خط، خط در اساطیر و منشاء خطوط بیان شده است. فصل سوم درباره‌ی طبقه بندی و خانواده‌ی زبان‌ها است. فصل چهارم در باره‌ی زبان‌ها و خطوط ایران باستان است. در این فصل زبان و خط در سه دوره‌ی باستان، میانه و جدید مورد بررسی قرار گرفته است. برای اینکه خواننده‌ی محترم بتواند خطوط دوره‌ی باستان و میانه را قرائت کند، ابتدا متنی از خط هردوره همراه با آوانوشت و ترجمه آورده شده و واژه‌های آن معنی شده است. سپس متن دیگری بدون آوانوشت آمده ولی ترجمه و معنی برخی از واژه‌های آن بیان شده است؛ می‌توان این متن‌ها را با توجه به حروف الفبا و متن آوانوشت شده، قرائت کرد. منابعی که بصورت مستقیم و غیر مستقیم از آنها استفاده شده و ممکن است نام برخی در متن ذکر نشده باشد همه در پایان آمده است.

شهریور ۱۳۹۲

فهرست

عنوان	صفحه
مقدمه.....	۱

فصل اول

زبان.....	۳
تعریف زبان.....	۳
پیدایش زبان.....	۵
کاربرد های زبان.....	۷

فصل دوم

خط.....	۹
اهمیت خط.....	۹
خط در اساطیر.....	۹
مصر.....	۱۰
سومر (بین النهرین).....	۱۱
هند و ایران.....	۱۴
سیر تحول خط.....	۱۶
منشاء خطوط.....	۲۱
خط سومری.....	۲۱
خط مصری.....	۲۲
خط چینی و هندی.....	۲۶
خط ایلامی.....	۲۶

فصل سوم

طبقه بندی و خانواده ی زبان ها.....	۲۹
خانواده ی مهم زبان ها.....	۳۲
زبان های سامی.....	۳۵
زبان های هند و اروپایی.....	۳۷
گروه های زبان های هند و اروپایی.....	۳۸

فصل چهارم

زبان های ایرانی.....	۴۳
----------------------	----

۴۴	 زبان های ایرانی باستان
۴۸	 خط اوستا
۶۱	 خط فارسی باستان
۷۲	 زبان های ایرانی میانه
۷۴	 گروه زبان های ایرانی میانه شرقی
۷۷	 گروه زبان های ایرانی میانه غربی
۸۲	 خط مانوی
۸۷	 منشاء خطوط ایرانی دوره ی میانه
۹۴	 جدول های الفبا و متن هایی منتخب از پهلوی ساسانی، اشکانی و سغدی
۱۱۰	 زبان های ایرانی نو
۱۱۳	 کتابنامه

مقدمه

عقل و تجربه دو عامل اساسی در سیر تحولات زندگی انسان است. انسان با نیروی عقل در باره هر موضوع و کاری می‌اندیشد تا روش مناسب را عمل کند و نیز در گذر زمان از فراز و نشیب‌های زندگی تجربه کسب می‌کند و از این تجربه در جهت بهبود زندگی بهره می‌برد. این دو موضوع، در طول زندگی انسان جاری و ساری است، از جمله در مورد زبان و خط. زبان اولین وسیله ارتباط انسان‌ها با یکدیگر بوده است. اما زبان وسیله ارتباط پایدار نیست چون:

۱- پس از بیان، سخن محو می‌شود و قابل بازگرداندن نیست.

۲- برقراری ارتباط از طریق زبان محدود است؛ از اینرو، انسان به مدد نیروی

عقل و تجربه و نیاز، سعی کرده است ارتباطات اجتماعی را از طریق دیگری دنبال کند که پایدار باشد و مجموعه گسترده‌تری از انسان‌ها را در بر بگیرد. بدین لحاظ خط را به وجود آورد. اولین آثار خطی انسان در قالب نقوش و تصاویر بوده و بتدریج سیر تکاملی را پیموده است.